

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی
سال پانزدهم شماره ۵۸ تابستان ۱۳۹۹

تحلیل شخصیت سیاسی امام خمینی از دیدگاه کارل راجرز و آدلر در رهبری انقلاب اسلامی: تحلیلی روانشناختی

مهدی عباسی^۱، بهاره سازمند^۲، محمد توحید فام^۳، مصطفی ابطحی^۴

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات، علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- دانشیار گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴

چکیده

تحلیل شخصیت‌های سیاسی و درک محیطی که در آن سیاستمداران به قدرت رسیده‌اند یکی از محورهای اصلی تحلیل‌های حوزه روان‌شناسی سیاسی است. به عبارتی، روان‌شناسی سیاسی و رویکردهای آن به زمینه‌های گسترده نظیر نقش رهبری و کیش شخصیتی در رفتارهای سیاسی تعلق دارد. تبیین ماهیت، شخصیت و رفتار سیاسی رهبری امام خمینی (ره) و علت تاثیر گذاری عمیق وی در تحولات اجتماعی و فرهنگی سیاسی هدف نوشتار حاضر است تا بتوانیم به درک روشمند پیدا کنیم و بیش از گذشته بتوانیم آن را تحلیل کنیم. پرسش اصلی اینست که از منظر روانشناسی سیاسی بویژه کارل راجرز و آدلر چه تعاملاتی میان شخصیت و سبک رهبری امام خمینی (ره) و رعایت اخلاق سیاسی و انسانی وجود داشته است؟ و مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در جذب افراد در جریان انقلاب اسلامی چه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش با استفاده از مفهوم سازی و روش تحلیلی- اسنادی و کتابخانه‌ای، نشانگر تعامل شخصیت و شیوه رهبری امام خمینی (ره) بر پایه نقش سیاسی منحصر به فرد او در جذب افراد در فرایند انقلاب اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی(ره)؛ شخصیت‌شناسی سیاسی؛ تربیت سیاسی؛ رفتار سیاسی؛ مدارای سیاسی

مقدمه

انسان دارای ابعاد وجودی متنوع است و برای شکوفا شدن و متعالی شدن این ابعاد و استعدادهای نهانی، احتیاج به تربیت دارد. در این میان، پرورش فضایل اخلاقی یکی از مهمترین و در عین حال مشکل‌ترین کارهاست؛ به طوری که انجام آن، از هدفهای مهم و والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان را در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است قرار دهند. رسول گرامی اسلام فرموده اند فلسفه بعثت ایشان، تکمیل مکارم اخلاقی بوده و قرآن کریم راز بعثت تمام انبیا را تعلیم و تربیت و تزکیه بشر یاد کرده است.

بعد از انبیا و اوصیای الهی، اندیشمندان مختلف، اعم از پیروان مکاتب الهی و پیروان مکاتب مادی، هر یک با بینش و اهداف خاصی از تربیت و اخلاق سخن گفته و اصول و روشهایی را برای آن ارائه داده اند گرچه، عده ای دیگر نیز به طرح سوال تردید آمیز نسبت به ضرورت تربیت اخلاقی و ارزشی پرداخته و برخی نیز، امکان تربیت اخلاقی، ارزشی را منتفی می دانند. با این حال در این دیدگاه مکتب الهی، اصول اولیه اخلاق و معیارهای اولیه انسانیت، به هیچ وجه نسبی نبوده و در این میان، اولیا و اوصیا و الگوها و اسوه‌ها ی فکری، اعتقادی، عملی و اخلاقی به شمار می آیند. از این رو گفتار، کردار، رفتار و تقریر ایشان نبوده و در این میان، دلیل و برهان شرعی قلمدادشده و بدین جهت، رستگاری فقط در پیروی کردن از آنان منحصر شده است.

بر این اساس، سیره تربیتی اولیای الهی چراغی برای پیمودن راههای زندگی بوده و به کار بردن سیره اولیای الهی، نه تنها موجب هدایت فرد در رسیدن به کمال وی می شود، بلکه می تواند جامعه را از هلاکت و انحطاط نجات بخشد. امام خمینی (ره) نیز به عنوان الگو، چه در دوران زندگی و چه برای نسل امروز دارای ویژگیهایی بود که همگان را به شگفتی و دوست و دشمن را فریفته و شیفته خود می کرد چراکه نظام تربیتی ایشان، انسان کامل بوده است.

پس از رسول خدا، امام علی نیز عالی ترین نمونه انسان کامل و حاکم دینی است که پیش از دستیابی به حکومت، به اخلاق الهی آراسته بود و اندیشه و رفتار او تماما معرف انسانی خود ساخته در مکتب توحیدی بود که به رغم حکومت بر نیمی از جهان متمدن عصر خود، هرگز فریفته قدرت نشد و از جاده اخلاق بیرون نرفت و چرا که طالب فضیلت و کمال اخلاقی بوده و سرمشقی نیکو و الگویی دست یافتنی بوده است. از سویی روش، و منش سایر پیشوایان دین پس از آن حضرت نیز موید این نکته اساسی است که در اسلام، سیاست منهای اخلاق پذیرفتنی نیست و جامعه آرمانی اسلام تنها در پیوستگی این دو مقوله محقق می گردد.

در راستای آنچه عنوان شد، یکی از اهداف انقلاب اسلامی احیا و نشر ارزشهای اخلاقی در جامعه بوده است. تخلق به اخلاق الهی برای همه افراد جامعه اسلامی ضروری و راه دستیابی به سعادت در هر دو جهان عمل به قواعد و دستورهای اخلاقی است. تخلق به ارزشهای اخلاقی و عمل به آنها برای زمامدار حکومت ضروری تر و اثر گذارتر است. با توجه به هدف انقلاب اسلامی و رهبری آن مبنی بر احیا و نشر این ارزشها، شاخص اخلاقی و تربیتی شامل تقوا، عدالت، ساده زیستی، صداقت، تکلیف گرایی که ارتباط نزدیکی با حکومت و حاکم جامعه اسلامی دارند و نیز محک خوبی برای ارزیابی رهبر جامعه و نوع شخصیت و رفتار هستند انتخاب شده است. از آنچه که امام خمینی در درجه اول، عالمی آگاه به باورهای اسلامی و معتقد به جهان هستی، انسان و خدا بود، یعنی قبل از اینکه او صرف یک اندیشمند سیاسی لحاظ شود، یک فقیه، عارف، متکلم دینی بود که به دنبال تبیین باورهای اسلامی برای جامعه بود تا متدینین به آنها دسترسی لازم داشته باشند. آثار و اندیشه های فقهی امام در رساله تحریر الوسیله، آرا و اندیشه های کلامی (فلسفی — عرفانی) در کتاب البیع، آرا و اندیشه های سیاسی در کتاب ولایت فقیه، و همچنین وصایا و رهنمودها قابل پیگیری است. در دید امام خمینی از آنجا که باورهای دینی هر شخصی نشان دهنده ساختار جهان بینی اوست، این باورها در شکل دادن نظام اجتماعی ایشان نیز نقش اساسی را به عهده دارند. نوع رهبری ایشان که بر ارزش های الهی استوار بوده از جلوه های ممتاز و نادر در عرصه رفتارشناسی سیاسی است که جای مطالعه بیشتر را برای خود تضمین کرده است. از این رو بررسی ابعاد رفتاری امام خمینی از دیدگاه روان شناختی، به خصوص کارل راجرز و آدلر نسل امروز و آحاد جامعه را با ویژگی ها و خصوصیات

برجسته این انسان نمونه آشنا کرده تا به مثابه یک انسان جامع، شخصیت برجسته او را الگو و مرجع رفتاری خود قرار دهند. در این راستا این نوشتار در جهت پاسخ دادن به این سوال به رشته تحریر در آمده است که از منظر روان شناسی راجرز و آدلرمی تواند چه تعاملاتی میان شخصیت سیاسی و شیوه رهبری امام خمینی(ره) و رعایت اخلاق سیاسی و انسانی وجود داشته و مولفه های رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در جهت جذب افراد برای رسیدن به انقلاب مطلوب چه بوده است؟ و اینکه چه رابطه ای بین ویژگی های شخصیتی و شیوه رهبری و اخلاق سیاسی وی وجود دارد؟

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری، آن توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از مفهوم سازی داده ها و تحلیل کیفی و محتوایی آن، انجام پذیرفته و هدف از آن، فراهم آوردن شناخت، بینش نو، تصویری واقعی و راهنمای عمل در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق بود.

روان شناسی سیاسی

روان شناسی سیاسی به عنوان شاخه ای از روان شناسی اجتماعی، ناظر بر دیدگاه هایی است که شخصیت فردی و ارتباط فرد در گروه را مورد بحث قرار می دهد. با این تفاوت که موضوع آن خاص تر و محدودتر به عرصه سیاست منحصر می شود و به جای مطالعه رفتار اجتماعی که عامتر است، رفتار سیاسی، کانون بررسی آن قرار می گیرد (منستد و هوستون^۱، ۱۹۹۹). به بیانی دیگر، روان شناسی سیاسی ادغام دو رشته روان شناسی و علوم سیاسی را بازنمایی می کند، گرچه سایر رشته ها نیز به رشد این حوزه و خلق آثار در این زمینه کمک کرده اند.

دانشمندان علوم سیاسی، دانش و درک خود درباره سیاست را به این حوزه عرضه می دارند. در صورتیکه روان شناسان، اغلب فرآیند تصمیم گیری در گروهها را بررسی کرده و برخی از ایده هائی که آنها برای جهت دادن به نظریه های خود درباره تصمیم گیری گروهها به کار برده اند، از نمونه های زنده تصمیماتی اقتباس شده است که گروه های سیاسی به طور واقعی به کار گرفته اند که در این میان می توان به ماجرای تصمیم ورود به جنگ ویتنام اشاره نمود (خوارزمی علاقیندراد، ۱۳۸۴).

از سویی، هرمن^۲ (۱۳۸۶) در کتاب روان شناسی سیاسی، اصول چندگانه ای را برای حوزه مطالعاتی روانشناسی سیاسی می شمارد که برای فهم چپستی آن مفید است:

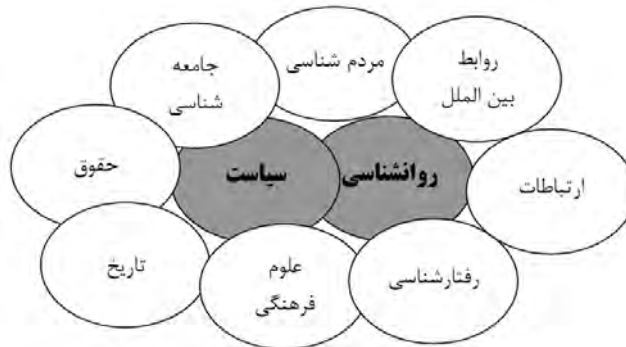
۱- فهم پدیده های روانی و پدیده های سیاسی: تأکید روان شناسی سیاسی بر تعامل و هم ورزی پدیده های سیاسی و روان شناختی است.

۲- پژوهش در مسائل اجتماعی دارای تبعات سیاسی و راه حل شناسی: ماند بحران های محیط زیست، بحران رهبری عمومی (گرانته).

¹ - Mensted & Huston

² - Herman

۳. نقش موقعیت‌ها در زمینه‌های متفاوت مطالعه در روان‌شناسی سیاسی: مطالعه فرد در یک موقعیت و در زمان مشخص. علاوه بر این، برای نشان دادن جایگاه روان‌شناسی سیاسی، مدل‌های نظری گوناگونی توسط نظریه پردازان عرضه شده است که در این میان، الگوی تعاملی از روشنگری بیشتری برخوردار است. این الگو در شکل (۱) به صورت نمادین نشان داده شده است:



شکل ۱- حوزه‌های مرتبط با روانشناسی سیاسی

مبتنی بر آن چه بیان شد، می‌توان تصور کرد که افراد بر اساس با نیروی درونی مانند شخصیت، نگرش و هویت خود عمل می‌کنند. آنها از طریق فرآیند شناختی، محیط خود و دیگران را ارزیابی می‌کنند که در نتیجه به شکل‌گیری تصاویری از دیگران منجر می‌شود و وقتی این عوامل ترکیب شدند، تصمیم به عمل می‌گیرند. بنابر این، افراد در سیاست، اغلب در مقام عضوی از یک گروه عمل می‌کنند و رفتار آنها در گروه با رفتار فردیشان بسیار متفاوت است (خرازی، علاقبندراد، ۱۳۸۴). انسان سیاسی، نمونه‌ای عمومی در جهان سیاست است که در قالب بکارگیری نظریه‌ها و یافته‌های روان‌شناختی از قبیل نظریه‌های شناخت، روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی رشد در تحلیل سیاست و به عنوان عامل روان‌شناختی مرکزی در تأثیر گذاری بر رفتارهای دیگران مورد مطالعه قرار می‌گیرد، که از آنجایی که این حوزه مطالعاتی به صورتی بینا رشته‌ای در ارتباط موضوعات محوری حوزه‌های مختلف علمی است، ظرفیتهای مترامی را برای جامع‌نگری فراهم می‌آورد.

مبانی تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) در جهت جذب افراد برای تحقق انقلاب اسلامی:

با توجه به جهان بینی امام خمینی که سیاست را نوعی هدایت انسانها در مسیر الهی دانست و از سویی نگاه ایشان به انسان مبتنی بر دیدگاه عرفانی - اسلامی بوده و انسان را موجودی الهی می‌دانست، لذا عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی از منظری عبارتند از: توحید محوری، فطرت محوری، تزکیه محوری و اخلاق مداری.

توحید محوری

در اندیشه سیاسی امام خمینی توحیدمحوری در زندگی سیاسی به معنای حرکت در مسیر سنت، قوانین و نظام اکمل و عادلانه هستی، باور به هماهنگی ماده و معنا، اخلاق و سیاست، تکوین و تشریح، دنیا و آخرت حاکمیت الهی و مردمی و حرکت تکاملی و سیر الهی داشتن انسان است. جامعه توحیدی در منظر امام جامعه است که همه به فکر خدا باشند. امام خمینی جامعه توحیدی را اقامه کننده عدالت، سلطه ستیز و حق‌گرا و طرفدار مستضعفان می‌داند (صحیفه نور، ۱۳۷۷ جلد ۲). در این راستا ایشان بیان داشته‌اند که مقصد همه چیز در جامعه توحیدی بر اساس معنویت است و در چنین جامعه‌ای حکومت نه برای سلطه بر مردم، بلکه جلوه‌ای از

جلال الوهیت است و به دنبال تحقق حکومت الله و تربیت انسانهای الهی است. لذا ویژگی های مولفه توحید محوری در تربیت سیاسی عبارت است از: حق مداری، کسب رضایت الهی و مقصد نهایی آن قرب الهی و الهی شدن انسان است. جامعه توحیدی در گرو افراد موحد است و موحد شدن بستگی به تربیت افراد برحسب فطرت آنها دارد. در این راستا مطالعه خرمشاد (۱۳۹۸) در خصوص مولفه های راهبردی در رهبری امام خمینی، نشان داده است که ایشان بر اساس مبانی عرفانی، وجود را حقیقت غیبی می‌داند که در مرحله ذات مبرا از هرگونه اسمی و رسمی است و متذکر می‌شود که مدارایی مد نظر شریعت است که بر خود استوار باشد یعنی در جهت حفظ نفس و اتصاف به چنین مدارایی موجب تعالی نفس می‌شود. از این رو وی عنوان می‌کند که برای یک هدایتگر که قصد اصلاح جامعه و هدایت انسان‌ها را دارد مدارا شرط اصلی است چرا که قلوب مردم با محبت و رفاقت نرم می‌شود و مردم نیز جذب می‌شوند.

فطرت محوری

امام از دو نوع فطرت در وجود انسان سخن می‌آورد؛ یکی فطرت اصلی که بیان‌کننده ابعاد و امور فطری است که با جذب و عشق همراه است و همان فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه است و دیگری فطرت فرعی که در واقع تابع اولی بوده و آن تنفر از نقص، شر و بدی است. امام معتقد است که فطرت انسان در ابتدا از هر گونه ظلمت و زنگار به دور است و ذاتا حب به خیر و نیکی دارد و تنها تربیت نادرست و هوای نفس وی را به تباهی می‌کشاند (امام خمینی) وی معتقد است که انسان از اول فاسد به دنیا نمی‌آید بلکه از اول با فطرت خوب و الهی به دنیا می‌آید کل مولود یولد علی الفطره که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است و شکوفایی و عدم شکوفایی آن بستگی به نوع تربیت آنها و همین تربیت است که یک کشور را جامعه مطلوب اسلام می‌کند (صحیفه نور، ج ۱۲)

تزکیه محوری

امام خمینی یکی از مبانی تربیت سیاسی را تزکیه می‌داند بطوری که از تزکیه به عنوان یک عامل مهم برای رهایی از حکومت طاغوت و زمینه اصلاح جامعه نام برده است. از سویی ایشان تزکیه را امری محوری دانسته به نحوی که علت عقب ماندگی جوامع را به عدم تزکیه مرتبط می‌داند و معتقد است که اساسا هدف اصلی انبیا مساله حکومت نبوده است و آنان برای تربیت و تزکیه اخلاقی و روحی انسانها مبعوث شده‌اند. یکی از دلایل تاکید امام خمینی بر تربیت و تزکیه نفس این است که آن در راستای ارزشهای الهی بوده و موجب می‌شود آدمی بواسطه آن سر اطاعت در پیشگاه خداوند فرود می‌آورد و به قدرتهای غیر الهی بی توجه شود. از این رو "ایشان تزکیه را در راس همه امور می‌داند". (صحیفه نور، جلد: ۱۳۷۷).

اخلاق مداری

امام خمینی معتقد است که احکام اخلاقی اسلام؛ سیاسی است. ایشان اخلاق را حدوسط قوای نفس و فضایل انسانی می‌داند و اصول اخلاق را نقطه اتصال اخلاق و سیاست می‌داند و سیاست های غیر الهی و حکومتهای طاغوت را بر جهات افراط و تفریط این قوا می‌داند (اردبیلی، ۱۳۸۱). وی معتقد است که غایت دعوت و تلاش انبیا کمال اخلاق است و اخلاق، پایه و سیاست های سطح کلان بوده و بیان می‌کند که اسلام همه اش سیاست است (سلحشوری، ۱۳۹۱). از سویی امام بر اخلاق منبعث از موازین شرعی تاکید کرده و عقل عملی را با عمل صالح پیوند داده است. بنابر این بر اساس دیدگاه امام برای تحقق اخلاق، وجود حکومت دینی (سیاست) لازم است. و بر همین اساس یکی از مبانی تربیت سیاسی را اخلاق مداری می‌داند (اردبیلی، ۱۳۸۱).

مولفه های تربیت سیاسی در منظومه فکری و عملی امام خمینی :

در منظومه فکری و عملی امام خمینی چندین مولفه اصلی به عنوان هدف راهبردی در تربیت سیاسی مورد توجه بود که در این میان می توان به مولفه های آگاهی ، خود شناسی ، آزادی ، استقلال و عدالت اشاره نمود که به ترتیب به هریک از آنها پرداخته می شود.

۱- آگاهی

یکی از مولفه های تربیت سیاسی از منظر امام خمینی مولفه آگاهی است. به این معنی که آگاهی مردم موجبات تبدیل قدرت به اقتدار را بوجود می آورد چرا که از نظر وی ، بیداری ، شاخصه اقتدار بوده و هر ملتی که بیدار تر و آگاه تر باشد از اقتدار بیشتری برخوردار است. امام خمینی، رشد و آگاهی سیاسی مردم را نه تنها تهدیدی برای حکومت نمی داند بلکه آن را باعث رشد، تقویت و تثبیت حکومت می داند.

علاوه بر این ایشان تاکید دارد که جامعه از هر جهت باید پیشرفته و آگاه باشد تا ملت بتواند منافع خود را بشناسد ، زیرا اگر ملتی به درک و روشن بینی صحیحی برسد ، دیگر از گزند حوادث به دور خواهد بود (صحیفه نور ، ج ۲۱). همچنین طبق دیدگاه امام خمینی، اگر تربیت سیاسی همراه با آگاهی و بینش و بصیرت باشد، دیگر نباید از استعمار و نفوذ او ترسید، زیرا اگر نظام تربیتی ، افراد را با آگاهی سیاسی پرورش بدهند دیگر دچار فریبهای استعمار نمی شود .

در این راستا وی بیان کرده است که : "باید هوشیار باشید که سیاست بازان پیوسته وابسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی ، شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند و با اراده مصمم ، فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی ها قیام کنید" (صحیفه نور ، ج ۱۲).

۲- خودشناسی

یکی دیگر از مولفه های تربیت سیاسی در دیدگاه امام خمینی خود شناسی است. امام خمینی تاکید داشتند که بسیار مبارک است لحظه ای که بتوانیم خودمان را اصلاح کنیم . وی تاکید داشت که هر اصلاحی، نقطه اولش، خود انسان است. به طوری که اگر خود انسان تربیت نشود ، نمی تواند دیگران را تربیت کند و علت انحراف در بین سلاطین و حاکمان این بود که خود را اصلاح نکرده بودند ، بنابر این امام تاکید می کند که اول چیزی که در ابتدا بر ما لازم است ، اصلاح خود است. (صحیفه نور ، ج ۲۲).

از سویی امام خمینی در اکثر آثار خود بر خود سازی تاکید داشته و بیان می کند که تا خود را اصلاح نکنیم نمی توانیم کشور را اصلاح کنیم و معتقد بود که هر کسی باید از خودش شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را با اسلام تطبیق بدهد و بعد از اصلاح خود به فکر اصلاح دیگران باشد . بنابر این یکی از مولفه های تربیت سیاسی از نظر ایشان تاکید بر خودسازی بود. (صحیفه نور ، ج ۱۴).

۳- آزادی

مولفه دیگری که مد نظر امام خمینی در تربیت سیاسی بود ، پدیده آزادی است. امام خمینی آزادی را برای جامعه مفید می دانست ، چراکه معتقد بود شخص آزاد می تواند به درجات بالایی از انسانیت برسد و جامعه ای که آزاد است، می تواند دارای پیشرفتهای علمی و صنعتی و اخلاقی بیشتری داشته باشد. ایشان در ذیل بحث آزادی، معتقد بود که نه خدا و نه پیامبر اسلام به ما چنین حقی نداده که به ملتمان چیزی را تحمیل کنیم. امام خمینی (ره) آزادی را حق انتخابی می دانست که انسانها در رابطه با نوع زندگی خود دارند. البته تاکید داشتند که حد و مرز آن را قوانین اسلام تعیین کرده ، یعنی آزادی، حد و مرز دارد . در این راستا ، امام خمینی معتقد بود که چون خداوند مالک حقیقی هستی بوده و قادر بر همه چیز است ، لذا انسان باید تنها در برابر ذات مقدس او تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند. مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد . بر این اساس هیچ انسانی حق ندارد انسانهای دیگر را به تسلیم در

برابر خود مجبور کند . وی نتیجه می گیرد که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند و رفتار و روابط او را بر اساس شناخت خود که ناقص است و بر اساس امیال و خواسته های خود است تنظیم کند .

ایشان با اعتقاد به آزادی انسانها، مظاهر آن را در آزادی بیان ، قلم ، مطبوعات ، احزاب و حتی آزادی انتخاب نوع حکومت و زمامداران می دانست و معتقد بود که ما به آحاد مردم ، آزادی مطلق خواهیم داد و می دهیم و داده ایم اما نه برای توطئه و فساد ، از این رو ، تاکید امام خمینی بر آزادی مطلق برای هدایت انسانها در مسیر الهی بود (صحیفه نور، ج ۲).

۴- استقلال: یکی دیگر از مولفه های تربیت سیاسی از منظر امام خمینی تاکید بر استقلال است. مبتنی بر این مولفه ، وی عقیده داشت که با چرا که با حفظ استقلال است که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یک کشور از آسیبهای احتمالی مصون می ماند. بعلاوه ایشان تاکید داشتند که استقلال برای حفظ اسلام است و اگر جمهوری اسلامی از بین رود اسلام منزوی خواهد شد . در این راستا وصیت نامه الهی - سیاسی خویش بیان می کند که : " وصیت من به همه شما آن است که با یاد خدای متعال به سوی خود شناسی و خود کفایی و استقلال ، با همه ابعادش به پیش و بی تردید دست خدا با شما است (صحیفه نور، ج ۲۱).

از سویی امام خمینی معتقد است بود که سیاست ما همیشه بر حفظ آزادی ، استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را فدای چیزی نمی کنیم (صحیفه نور ، ج ۴). بنابر این حفظ آزادی عمومی ، برابری منطقی ، استقلال جامعه از اهم مولفه های تربیت سیاسی وی بود .

علاوه بر این " امام خمینی معتقد بود که بین مولفه های استقلال و آزادی رابطه مستقیم وجود دارد . استقلال بدون آزادی که همان ظهور اراده ملی و پشتوانه مردمی است دوام نمی یابد و آزادی مورد نظر امام ریشه در اسلام و قوانین شرع داشت . بر این اساس نگاه امام خمینی به مولفه های تربیت سیاسی، عرفانی و اسلامی بود. (سلحشور، ۱۳۹۱).

۵- عدالت

یکی دیگر از مولفه های تربیت سیاسی امام خمینی ، پدیده عدالت است . به نظر ایشان ، مهمترین وظیفه انبیا برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است چرا که بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه داشته و ملازمه آن عدالت است . از سویی وی بیان می کند که یکی از اهداف ارسال پیامبران را برقراری عدالت بوده و تصریح می کند که خدای متعال می فرماید که انبیا را ما فرستادیم آیات به آنها دادیم ، میزان برایشان دادیم و فرستادیم که مردم قیام به عدل و قسط کنند ، عدالت اجتماعی در بین مردم برقرار باشد (امام خمینی، ۱۳۷۷).

بعلاوه معتقد بود امام خمینی معتقد است که ملت ایران خواستار عدالتند و این عدالت جز در سایه اسلام و با قوانین اسلام تحقق نمی یابد . در این راستا ایشان تاکید داشتند که عدالت را اجرا کنید ، عدالت را برای دیگران نخواهید ، برای خودتان نخواهید (صحیفه نور ، ج ۷). در جایی دیگری بیان داشتند که " به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان ، باید سر از پا نشناخت و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح الله گذشت ، که حق جاودانه شود . " (صحیفه نور ، ج ۱۸).

قابل ذکر است که از دید امام خمینی عدالت نه تنها کیفیتی نفسانی است که انسان را به رعایت تقوا ، پاکی ، انجام واجبات و ترک محرّمات می خواند ، بلکه دارای بعد گسترده اجتماعی ، سیاسی هم هست و لذا فضیلتی است که به نهادها ، گروهها و جامعه هم تعلق می گیرد و جامعه را سامان کرده و دنیا را اصلاح و سعادت دنیایی و اخروی فرد و جامعه را تامین می نماید . به تعبیر امام

خمینی با ایجاد عدالت و قسط در جامعه "انسان" ساخته می‌شود. انسانی که در مسیر حقیقت و صراط مستقیم حرکت میکند (امام خمینی، ۱۳۸۲).

بعلاوه امام خمینی تحقق انقلاب و جامعه مطلوب را در گرو تحقق عدالت و قسط و بر پایی عدالت را چه در نفس و وجود فرد و چه در درون جامعه بشری یک تکلیف فطری، الهی و انسانی می‌داند که هر فردی از افراد جامعه نسبت به انجام آن مسئول است. از طرفی، ایشان عدل را از لشکریان عقل می‌داند و در این مورد بیان نموده است که عدل صفت یا حالتی است که با فطرت مخموره انسانی. بدین معنا که انسان طبعاً گرایش به قسط و عدل دارد و از ظلم نفرت دارد. طبع سلیم انسانی تمایل به عدل دارد و از ظلم و بیداد گریزان و رویگردان است. افزون بر این اگر عدل و قسط را به عنوان فضیلتی از فضایل نفسانی به حساب آوریم، بر این اساس عدالت کمال است و ظلم و ستم و فقدان عدالت نقص هست. بنا بر این، اساس عدل و قسط گرایش فطری در درون انسان است که از آغاز تولد با اوست و امری اکتسابی نیست، بلکه امری الهی و فطری است. که امام خمینی آن را دردوران کودکی تا جوانی کسب کرده بود (جعفری، ۱۳۹۷).

جایگاه شخصیت در سیاست ورزی

شخصیت مفهومی محوری در روان شناسی بوده و به همین دلیل، شخصیت انسان سیاسی در نقطه تمرکز اصلی روان شناسی سیاسی بود که مراد از آن بازنمایی توانایی فرد در اداره امور جامعه بوده چرا که شخصیت بر نحوه تفکر و رفتار فرد در صحنه سیاسی تأثیر گذاشته و در عین حال تحت تأثیر تجارب افراد نیز قرار دارد (آدورنو، ۱۹۵۱). بر این اساس، از مفهوم شخصیت برای ارزیابی گسترده ای از رفتارهای سیاسی استفاده شده است که در این میان می‌توان به روان شناسی رهبران سیاسی و تحلیل مولفه های شخصیتی ایشان در حکمرانی اشاره نمود.

تحلیل روانشناختی شخصیت امام خمینی

امام خمینی به عنوان تاثیر گذارترین شخصیت سیاسی در قرن بیستم، از نظر منظرهای گوناگون مورد مطالعه پژوهشگران علوم انسانی قرار گرفته است و زوایای فکری، عملی، شناختی و اخلاقی ایشان با گذشت زمان بهتر فهمیده می‌شود. در این میان، تحلیل ویژگی های روانشناختی ایشان از جمله موضوعات بر جسته ای است که در چند دهه گذشته توجه پژوهشگران را در اقصی نقاط جهان به خود جلب کرده است. در این میان، برخی پژوهشگران با تمسک به نظریه های روانشناختی شخصیت بویژه روانشناسان انسانگرا، تلاشهای قابل توجه در روشنگری شخصیت امام خمینی داشته اند. از این رو، توجه ویژه به نظریات انسان گرایی بویژه نظریات انسان کامل که توسط روان شناس مطرح یعنی کارل راجرز عنوان شده است، می‌تواند روشنگری مبسوط از شخصیت امام خمینی به دست دهد.

شخصیت امام خمینی و نظریه انسان سالم با "کنش کامل" راجرز

براساس دیدگاه راجرز، تبدیل شدن به انسانی با کارکرد کامل، هدف نهایی مطلوب رشد روان شناختی و تکامل اجتماعی است. نظریه کلی راجرز درباره شخصیت "انسان سالم با کنش کامل" در سه نکته انسجام می‌یابد که عبارت اند از: «پویایی شخصیت»، «شهامت در تحقق خود»، و «هستی بدون نقاب». نخستین نکته ای که در تلقی راجرز از شخصیت سالم یا انسان با کنش کامل عنوان شده است، این است که شخصیت سالم روند است نه حالت بودن، مسیر است نه مقصد. شخصیت سالم در جهت تحقق خود پیش می‌رود، هیچ گاه پایان نمی‌پذیرد و وضعیتی ایستا ندارد. این هدف رو به آینده، فرد را به پیش می‌راند و همه جنبه های خود را دگرگون می‌کند و می‌پروراند. ویژگی دیگر «انسان با کنش کامل»، تمایل یا توانایی او به کامل و غنی زندگی کردن در هر لحظه است.

بنابراین، دومین نکته تحقق خود که روندی دشوار و گاه دردناک است، مستلزم آزمودن پیوسته، و گسترش و انگیزش همه توانایی‌های شخص است، در این راستا راجرز عنوان می‌کند که تحقق خود، شهامت بودن و غوطه‌ور شدن در جریان زندگی است. چنین انسانی در عواطف و تجربیات گوناگون بشری جذب و غرقه می‌شود و آنها را بسیار عمیق‌تر از کسی که سلامت روانی کمتری دارد، احساس می‌کند. چنین فردی الزاما همیشه شاد کام و خرسند نیست، هرچند این احساس‌ها را تجربه می‌کند. راجرز نیک بختی را محصول فرعی تلاش برای تحقق خود می‌داند؛ زیرا خوشبختی به خودی خود هدف نیست (شولتز^۱، ۱۳۷۵). بعلاوه راجرز عقیده دارد که این افراد به راستی خودشان هستند. خود را پشت نقاب‌ها و صورتک‌ها پنهان نمی‌کنند و به آنچه نیستند تظاهر نمی‌کنند. یا در برابر بخشی از خود سپر نمی‌گیرند، پیرو تجویزهای رفتاری نمی‌شوند، هر لحظه به رنگی در نمی‌آیند و در اوضاع و شرایط مختلف، شخصیت‌های متفاوت از خود نشان نمی‌دهند. از توقعات و ممنوعیت‌های جامعه و والدین آزادند. این‌ها به آداب و اصولی که تنها توسط خودشان وضع شده است، عمل می‌کنند. البته اینان آشکارا پرخاشگر و سرکش یا عمدا قانون شکن نیستند.

علاوه بر ویژگی‌های کلی که برای انسان با کنش کامل بیان شد، راجرز پنج ویژگی خاص را نیز برای انسان با کنش کامل عرضه کرده است که عبارت‌اند از: (۱) **آمادگی کسب تجربه، (۲) زندگی هستی‌دار، (۳) اعتماد به ارگانسیم خود، (۴) احساس آزادی، و (۵) خلاقیت.**

امام خمینی (ره)، انسانی با کنش کامل

در تطابق با آنچه که راجرز در باره انسان سالم با کنش کامل بیان داشته است می‌توان ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی را نمودی حقیقی از شخصیت سالم با کنش کامل دانست چرا که سه مولفه اصلی و پنج مولفه شخصیت سالم در رفتار، منش و اخلاق امام خمینی جاری بوده است.

الف) پویایی شخصیت و امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) در سیر تحولی و تکاملی شخصیت خود وضعیت ایستا نداشت و در جهت تحقق خود و رسیدن به اهداف زندگی شخصی و اجتماعی، روند مستمر رو به آینده‌ای را در پیش گرفته بود. در مورد ابعاد و وجوه مختلف شخصیت امام خمینی (ره) در حوزه‌های فراگیر علمی، دینی، معنوی، سیاسی، اخلاقی، هنری، عرفانی، و فلسفی مصادیق زیادی را می‌توان برشمرد. وی در طول عمر خود سعی در شکوفایی و گسترش تمام ابعاد وجودی خویش داشت که شرح کوتاهی از آنها بیان می‌شود.

امام خمینی (ره) صاحب تألیفات بسیاری در موضوعات متعدد اخلاقی، فقهی، اصولی، سیاسی و هنری بود که این امر بیانگر گستره و تنوع ذوقی وی است. تعدادی از رساله‌ها، اشعار و تألیفات نفیس او در جابه‌جایی منازل استیجاری و جریان یورش مأموران ساواک رژیم پهلوی مفقود شده است. همچنین صحیفه امام، مجموعه سخنرانی‌ها و آراء امام (ره) در امور سیاسی و دینی، در ۲۲ جلد به چاپ رسیده است. وی پس از پیروزی انقلاب نیز سروده‌هایی دارد که در قالب غزل، دوبیتی، و رباعی است و در آثاری با نام‌های سبوی عشق و محرم راز به چاپ رسیده است.

سید مصطفی خوانساری در خصوص پویایی تفکر وی می‌گوید: امام خمینی (ره) برای آشنایی با افکار مادیون، کتاب نقد فلسفه دارد. این امر را از آیت‌الله مسجدشاهی درس گرفته بود (ستوده و برادری، ۱۳۸۴).

¹ - Schultz

آیت الله سبحانی عنوان نموده است که از صفات بارز امام خمینی (ره) این بود که اندیشیدن وی بیش از جست و جو کردنش در کتاب‌ها بود. برای مثال وقتی درس مکاسب را می‌گفت، من تعدادی کتاب به خدمتش بردم و عرض کردم این‌ها را هم ملاحظه کنید.

ب) امام خمینی (ره) و شهامت در تحقق خود

یکی از ویژگی‌های انسان با کنش کامل از دیدگاه راجرز، گرایش او به غنی‌سازی زندگی و به کمال رساندن همه توانایی‌ها و استعدادها در هر لحظه زندگی است. در این راستا مصادیقی از بعد شهامت در تحقق خود که در امام خمینی (ره) تبلور یافته بود، ارایه می‌شود:

از ویژگی‌های مهم امام خمینی (ره) بصیرت و آگاهی بر امور جاری بود. او باید با بهره‌گیری از اطلاعات، مسئولیت‌سنگین فرماندهی را به انجام می‌رساند. امام (ره) اطلاعات دریافتی را تحلیل می‌کرد و برای هر وضعیتی، تصمیمی مناسب می‌گرفت. توانایی و آگاهی امام (ره) را می‌توان به راحتی از بیاناتش فهمید: «یک حرف با ملت ایران است که هم خونسردی خودشان را حفظ کنند و هم این شایعه‌سازها را جلویشان را بگیرند و هیچ اعتنا به شایعه‌ها نکنند. من خودم تماس دارم و همه مطالب پیش من می‌آید (صحیفه امام، ۱۳/ ۲۲۴)». «از شورای دفاع می‌خواهم که هر روز این جانب را از وضع جبهه‌ها مستحضر کنند و چنانچه احتیاج به نیرو دارند، تذکر دهند». امام خمینی (ره)، پس از تحلیل اطلاعات و مشورت کردن، با توکل به خدا و با شجاعت و قدرت روحی بالا، دستورات را به صورت شایسته صادر و قاطعانه اجرای آن‌ها را پیگیری می‌کرد. در دستورات ایشان قاطعیت را می‌توان مشاهده کرد. در حالیکه ضد انقلاب آخرین حرکت خود را انجام می‌داد و پناه را با عنوان کردستان آزاد، جدا می‌کرد. فرمان قاطع و سرنوشت‌ساز امام (ره) سبب شد تا منطقه مذکور نجات یابد. «من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان‌های ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پناه حرکت کنند ... اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم». این دستور قاطعانه چنان مؤثر واقع شد که به گفته شهید چمران که در آن موقع در منطقه کردستان و در پناه بود به محض انتشار فرمان امام (ره) همه چیز تغییر کرد (سهرابی، ۱۳۹۷).

ج) امام خمینی (ره) و هستی بدون نقاب:

سومین ویژگی کلی انسان‌های با کنش کامل از منظر راجرز، هستی بدون نقاب است که بیانگر ثبات شخصیت آن افراد و بی‌آلایشی و بی‌رنگی آنهاست. این گونه افراد به راستی خودشان هستند و افکار و اعمال خود را با توجه به معیارها و ضوابطی که به آن باور دارند با استقلال و بدون ملاحظه افراد و جریان حاکم ارائه می‌دهند. این الگوی رفتاری را به تمام و کمال می‌توان در سیره زندگی امام خمینی (ره) یافت.

یکی از ویژگی‌های بارز امام خمینی (ره) صداقت و صراحت وی بود. امام (ره) از بدو شکل‌گیری نهضت اسلامی همواره با مردم صادقانه حرف زد. هرگز نمونه‌ای از دوگانگی بین مردم و امام (ره) نمی‌توان یافت. این گونه نبود که امام (ره) با مردم یک گونه و با مسئولان به گونه‌ای دیگر حرف بزند. صداقت امام (ره) محصول تعالی اخلاقی، خودسازی، و یگانگی گفتار و عملش بود. در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ فرمود که من مسئولیت‌های دوران جنگ را می‌پذیرم تا دیروز معتقد به جنگ بودم، و امروز صلاح کشور و نظام و انقلاب را در پذیرش صلح می‌دانم و در صلح هم جدی هستم. امام (ره) در قضیه بنی صدر اعلام کرد که من اشتباه کردم؛ ولی برای احترام به رأی مردم حکم ریاست جمهوری او را تنفیذ کردم. در تصمیم‌گیری‌های سیاسی رایج در دنیا، مسئولان و رهبران در خفا و آشکار دوگانه رفتار می‌کنند. امام (ره) این گونه نبود. به اعتراف دوست و دشمن امام (ره) همواره با مردم به صداقت و صراحت حرف می‌زد (صحیفه امام، ۲/ ۵۶۴).

بعلاوه از برجسته ترین ویژگی های امام خمینی (ره) ساده زیستی و زندگی بدون تکلف وی بود. این سادگی، صفا، و بی آلاچی امام و زندگی در سطح عموم مردم سبب شده بود که همه مردم وی را از جنس خودشان بدانند و او را صمیمانه دوست بدارند.

د) امام خمینی (ره) و آمادگی کسب تجربه :

آمادگی برای کسب تجربه و به اجرا در آوردن تفکرات و برنامه ها و دست زدن به عمل، جزء ویژگی های انسان با کنش کامل محسوب می شود. در بیان مصداق آمادگی کسب تجربه بهتر است به عمل تجربی امام (ره) که در سطحی بالاتر از آمادگی است، استناد شود. در این خصوص که امام (ره) از هر پدیده ای تجربه می آموخت و خود الگوی مجسم تجربه اندوزی و اسوه رفتار مطلوب انسانی بود نیز نمونه های مثال زدنی هست که به برخی از آنها اشاره می شود.

در راستای بیان ابراز عشق و محبت امام خمینی (ره) نسبت به سایر افراد، به یکی از فراز های دیگر از سخنان وی به وضع شاگردان اشاره می شود. امام (ره) علاوه بر اینکه در ابراز محبت به کسانی که با او ارتباط داشتند، الگوی برجسته ای بود، احترام به دوستان را به طریق اولی پیوسته رعایت می کرد. مرحوم سیدرضا بهاء الدینی می گفت: در جلسه هایی که امام (ره) با دوستانش شرکت می کرد، همیشه آنها را جلو می انداخت و خودش از عقب می آمد و با این حرکت از دوستانش تجلیل می کرد (رجایی، ۱۳۸۳: ۲۵۳/۳).

آیت الله سبحانی درباره امام (ره) می گوید: امام (ره) با اینکه انسانی متفکر و باوقار بود و هیبتش حاضران را در سکوت فرو می برد، از مجالس انس با دوستان غفلت نمی کرد. او این مجالس را نوعی ورزشی دهن می دانست و می فرمود: در دوران جوانی ما پنجشنبه و جمعه ای بر ما نگذشت، مگر اینکه با دوستان جلسه انسی تشکیل دهیم و خارج از قم و بیشتر به سوی جمران برویم. در فصل برف و باران در حجره به برنامه نویسی مشغول می شدیم و هنگامی که صدای مؤذن به گوش می رسید، همگی به نماز می ایستادیم (ستوده، ۱۳۸۲).

ه) امام خمینی (ره) و زندگی هستی دار :

از نظر راجرز، انسان با کنش کامل انطباق پذیر است و ساختار خود او برای کسب تجربه های تازه پیوسته آماده است. به اعتقاد راجرز این خصیصه زندگی هستی دار، اساسی ترین جنبه شخصیت سالم است که مصادیق آن را در شخصیت و سیره زندگی امام (ره) می توان مشاهده کرد :

• امام خمینی (ره) در حوادث از زمان جلوتر و از رویدادها آگاه بود. آگاهانه تصمیم می گرفت. در زمان مناسب عمل می کرد. دعوت گورباچف به مطالعه اسلام، فلسفه اسلام، فلسفه الهی، و دقت در مبانی اسلامی و خداپرستی نمونه ای از شناخت زمان و حوادث تاریخ است. امام (ره) در وصیت نامه الهی و سیاسی خود می فرماید: «با قدرت و تصمیم اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سد آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزاران بالا و بالاتر در خدمت اند و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است».

نظم و انضباط یکی از مؤلفه های زندگی هستی دار با زندگی هدفمند است. به اعتقاد راجرز این خصیصه زندگی هستی دار، اساسی ترین جنبه شخصیت سالم است. انسان با کنش کامل به طور کامل در هر لحظه زندگی می کند و به جای مشاهده، در آن شرکت می کند. در همین راستا و بر اساس روایت بستگان، نزدیکان، دوستان، شاگردان و تمام افراد مرتبط با امام (ره)، نظم از برجسته ترین خصوصیات او بوده است. مصادیقی از سبک زندگی توأم با نظم امام (ره) بیان می شود:

یکی از برنامه‌های منظم امام (ره) این بود که ساعتی از شبانه روز را به قدم زدن بپردازد. در این باره آقای بروجردی، داماد امام (ره)، گفته است: وقتی بعد از دستگیری امام (ره) در شب ۱۵ خرداد ایشان را به تهران بردند، مدت ۱۹ روز آقا را در یک محلی نگه داشتند. سپس به مدت ۲۴ ساعت در سلول انفرادی بردند. خود امام (ره) می‌فرمود: طول آن سلول چهار قدم و نیم بود و من سه تا نیم ساعت، طبق روال همه روزه ام، در آنجا قدم می‌زدم.

آقای رحیمیان که سال‌ها توفیق همکاری در دفتر و بیت امام (ره) را داشته، گفته است: همیشه محیط زندگی امام (ره) و اتاق کار و محل عبادت و خوابش، از نظافت و پاکیزگی می‌درخشید و فضای پر طراوتش از بوی دل‌انگیز عطرها و بسیار خوشبو آکنده بود. به عبارت روشن‌تر، با وجود اینکه امام (ره) نمونه کامل ساده‌زیستی، قناعت، و صرفه‌جویی در استفاده از امکانات زندگی بود در زمینه نظافت، پاکیزگی، و استفاده از بهترین عطرها در حد کمال مقید بود (سهرابی، ۱۳۹۲).

و) امام خمینی (ره) و اعتماد به ارگانسیم خود:

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خاص انسان با کنش کامل از دیدگاه راجرز، اعتماد به ارگانسیم خود است. منظور از اعتماد به ارگانسیم خود، اعتماد داشتن به احساس کردن واکنش‌های شخصی، به جای هدایت شدن تنها به وسیله قضاوت‌های دیگران یا به وسیله یک هنجار اجتماعی یا حتی به وسیله قضاوت‌های عقلانی است. انسان با کنش کامل می‌تواند بر اساس جوشش‌ها یا محرک‌های آنی و شهودی عمل کند. در چنین رفتاری خودانگیختگی و آزادی بسیار است و رفتار کردن به شیوه‌ای که فرد احساس می‌کند درست است، می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای یک رفتار واقعا رضایت‌بخش باشد. در روایت‌های متعددی که اطرافیان امام خمینی بیان داشته‌اند، این ویژگی در الگوهای رفتاری ایشان تبلور یافته بود: روزی که شاه فرار کرد، نمایندگان رسانه‌های گروهی دنیا در نوفل‌لوشاتو با امام (ره) برنامه مصاحبه داشتند. شاید ۱۵ شبکه تلویزیونی در سراسر دنیا به طور مستقیم این برنامه را پخش می‌کردند؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ انقلاب به وقوع پیوست. همه می‌خواستند نظر امام (ره) را بدانند. ایشان چند دقیقه صحبت کرد، بعد سؤال کرد: ظهر شده است؟ وقتی به امام (ره) گفتند ظهر شده است امام (ره) گفت: والسلام علیکم ورحمة الله. در آن لحظه ایشان موضوع به آن اهمیت را به سبب اقامه نماز اول وقت رها کرد. در شرایطی که رسانه‌های بیگانه برای میلیون‌ها بیننده خود در حال ارسال خبر و مصاحبه امام (ره) بود، امام (ره) اقامه نماز در اول وقت را بر ادامه مصاحبه ترجیح داد (صحیفه امام، ۶۸۶/۲).

اعتماد به نفس و ایستادگی در برابر موانع را در بیان خاطره‌های خود امام (ره) هم می‌توان یافت، جایی که وی می‌گفت: به یکی از آقایان ائمه در زمان فشار برای تغییر لباس گفتم «اگر شما را اجبار به تغییر لباس کنند چه می‌کنید؟» گفت: «در منزل می‌نشینم و بیرون نمی‌آیم» گفتم: اگر من را اجبار کنند و امام جماعت باشم، همان روز با لباس تازه به مسجد می‌روم. باید پست‌ها را نگه داشت و در وقت مقتضی با اعراض دسته‌جمعی، طرف را کوبید» (سهرابی، ۱۳۹۷).

از شروع نهضت تا واپسین دم حیات، اعتماد به خود و اعتماد به مردم در سیره امام خمینی (ره) مشهود بود: اعتقاد بر این است که این نهضت را تا به ثمر رسیدن باید ادامه داد و هرگز ساکت نشست. ابتدا ما روحانیون مردم را هدایت کردیم و تمام جرائم رژیم را افشا کردیم و روشنگری روحانیون، بحمدالله مفید واقع شد و مردم روشن شدند و یک تحول فکری برای جامعه ایران به وجود آمد، به طوری که همه با هم با یک صدا به دنبال یک راه و مقصد در حرکتند و آن نابودی این دودمان و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی است و این هدف در سراسر ایران حکم فرماست (صحیفه امام، ۱۸۴/۵).

ز) امام خمینی (ره) و احساس آزادی

انسان‌های با کنش کامل، سالم و با خودشکوفای، احساس آزادی اصیلی دارند تا به هر جهتی که میل دارند، حرکت کنند و آزادانه دست به انتخاب بزنند. در ابتدای این بحث مناسب به نظر می‌رسد که برخی از دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره مفهوم و موضوع آزادی بیان شود تا بستر و زمینه لازم در جهت ذکر مصادیق از زندگی و خصوصیات ایشان در مورد احساس آزادی که راجرز مطرح می‌کند، فراهم شود. امام خمینی (ره) درباره اساس آزادی انسان می‌فرماید: «اعتقادات من و همه مسلمین، همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و با پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان به حق بعد از آن بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید یکی است و مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. بنابراین، هیچ انسانی هم، حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند. از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است. همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست.

ح) امام خمینی (ره) و خلاقیت

به نظر راجرز، همه انسان‌های با شخصیت سالم که دارای کارکرد کامل هستند، بسیار خلاق‌اند و با وجود اینکه شرایط محیطی تغییر می‌کند، به طور خلاق و سازگار زندگی می‌کنند. از این روست که راجرز انسان با کنش کامل را «پیشرو مناسب» روند تکامل بشر می‌داند. در این راستا در بیان مصادیق خلاقیت در الگوهای رفتاری امام (ره) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– ابتکار عمل در صحنه جنگ یکی از شاخصه‌های امام خمینی (ره) بود. امام (ره) برای تقویت روحیه نظامی رزمندگان و استیصال دشمن در بعضی از مواقع، فرمان طرح عملیات‌های منطقه‌ای و محدود را صادر می‌کرد و بعد از عملیات‌های وسیع و مهم که ضربات کوبنده به دشمن وارد می‌شد برای حفظ روحیه تهاجمی به فرماندهان عملیاتی دستور می‌داد: شما در جبهه‌ها نگذارید دشمن آرامش پیدا کند، اگر بگذارید دشمن آرامش پیدا کند، می‌رود و تجهیز زیاد تر می‌کند و شما را به زحمت می‌اندازد. باید نگذارید که او یک شب هم از اضطراب بیرون بیاید، الان در اضطراب هستند، نگذارید که آنها از اضطراب بیرون بیایند (صحیفه امام، جلد ۳).

– زمینه وحدت مسلمانان با ابتکار امام خمینی (ره) فراهم شد: یکی از توطئه‌های دشمنان انقلاب، اختلاف بین شیعه و سنی بود که برای این هدف شوم تلاش‌های بسیاری کردند. اما امام خمینی (ره) با دعوت به وحدت این توطئه را نیز خنثی کرد. سالروز ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) به عنوان هفته وحدت اعلام شد و امام خمینی (ره) در جمع علمای شیعه و سنی فرمود: «برادران اهل تسنن و تشیع با هم توحید کلمه را آغاز کردند و امیدوارم که تا آخر، این توحید و وحدت باقی باشد ... ما به حسب حکم خدای تبارک و تعالی اخوت خودمان را با همه مسلمین جهان با دولت‌های کشورهای اسلامی، با ملت‌های مسلم در هر مذهبی که هستند، در هر کشوری هستند، ما برادری خودمان را با آنها اعلام می‌کنیم» (صحیفه نور، جلد ۲).

تحلیل روانشناختی شخصیت امام خمینی بر اساس رهیافت فرد گرای آدلر

آدلر یکی از روان‌شناسانی است که در یک فضای ویژه‌ای به عوامل اجتماعی و موثر در شخصیت توجه کرده است و در واقع، تعلق اجتماعی را جزء ذاتی انسان دانسته و در این میان دیدگاه وی در عرصه رفتارهای سیاسی در قالب اصول زیر خلاصه بندی شده است:

۱- اصل علاقه اجتماعی ۲- اصل حقارت ۳- اصل برتری جویی ۴- خود، خلاق ۵- شیوه زندگی خاص و بی همتا ۶- سنخ شناسی شخصیت: الف) سنخ اول زبان سیاسی یا سلطه جویانه ب) سنخ دوم یا گیرنده ج) سنخ سوم یا اجتناب گر، د) سنخ چهارم یا اجتماعی و ترتیب تولد (برزگر، ۱۳۸۶) وی در کتاب معروف خود «جنبه نظری و علمی روان شناسی فردی» که در سال ۱۹۲۸ انتشار یافت بر خلاف فروید که غریزه‌ها را انگیزه اصلی رفتار می دانست، بر جنبه اجتماعی بودن رفتار انسان تاکید داشت. وی در این اثر اصول زیر را در رفتار شناسی سیاسی برجسته کرده است:

(۱) اصل تعامل اجتماعی: به نظر آدلر انسان با علاقه اجتماعی به دنیا می آید و اجتماعی بودن در فطرت و ذات بشر است. اما این به صورت بالقوه است و مانند سایر غرایز فطریه پرورش و به فعلیت درآمدن نیازمند است که این امر از طریق تعامل اجتماعی صورت می گیرد. این ارتباط ابتدا از طریق خانواده و سپس مدرسه، معلمان، هم کلاسیها و سرانجام افراد دیگر در جامعه انجام می شود. هرچند که حس برتری طلبی، ابتدا جنبه شخصی دارد اما بعدها به صورت اجتماعی در می آید. همچنین به نظر آدلر، وجود یک احساس اجتماعی در افراد پدیده‌ای مشترک است (قاسم پور، غفاری و کشاورز، ۱۳۹۰).

(۲) اصل خود خلاق بودن: مطالعات آدلر او را به این عقیده رساند که شخصیت آدمی فقط از استعدادها و غریزی و اثرات محیط خارجی و فعل و انفعالاتی که حاصل می کنند تشکیل نمی شود بلکه در این میان، خلاقیت و ابتکار شخصی هم در کار است. به این معنی که آدمی برای ارضای تمایل برتری جویی خود، عوامل زیستی و اجتماعی را در تجارب و فعالیتهای ابتکاری مورد استفاده قرار می دهد (برزگر، ۱۳۸۹). آدلر در اوج نظریه خود بر قدرت فعال فرد با «خود خلاق» انگشت می نهد و بیان می کند که ما می توانیم شخصیت خود را مطابق با سبک زندگی یگانه خود تعیین کنیم. «خودفعال» هر فرد، شیوه اختصاصی هر فرد را تعیین می کنند (سیاسی، ۱۳۷۷).

(۳) سبک زندگی خاص: خود خلاق و اصل برتری جویی موجب میشود که هر کس به وجهی خاص دست به عمل بزند و سبک زندگی خاص خود را برنامه ریزی کند. شیوه و سبک زندگی خاص، تکیه کلام آدلر است و در تمام نوشته هایش مکرر به کار گرفته و مشخص ترین بعد روان شناسی فردی است (شفیع آبادی، ۱۳۸۶). سبک زندگی خاص یعنی کلیت بی همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارد (ناظم پور، غفاری، کشاورز، ۱۳۹۰).

(۴) آینده نگری و دوراندیشی: آدلر معتقد است که رفتار آدمی را هدفهای او صورت می بخشد. او هم البته از اهمیت گذشته آدمی و تأثیری که در خود خلاق دارد غافل نیست؛ ولی اعتقادش بر این است که گذشته، حدود صحنه عمل را نشان می دهد در صورتی که آینده است که در این صحنه عمل بازیگران را معین می کنند، لذا این هدف نهایی است که فرد را بدنبال خود می کشاند (سیاسی، ۱۳۷۷).

مولفه های رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در جذب افراد بر اساس نظریه آدلر

۱- زبان سیاسی امام خمینی (ره)

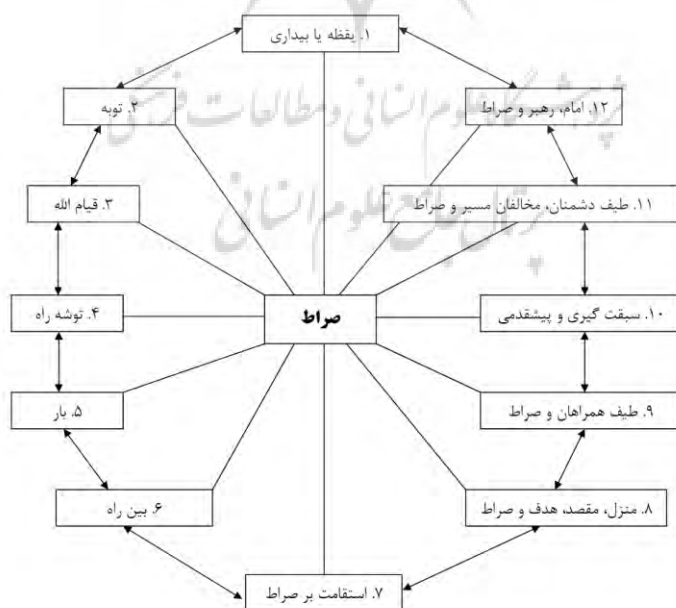
زبان سیاسی امام خمینی (ره) تا حدود زیادی از زبان قرآن الگو برداری شده است. در این صورت سوال این است که تلقی ایشان از زبان قرآن چیست؟ فهم تلقی امام از زبان قرآن در فهم شخصیت سیاسی وی و نیز در فهم دیدگاه وی در باب صراط، راهگشا است.

امام، زبان قرآنی را زبانی سهل و ممتنع می‌داند. به نظر ایشان در مواقع مکرر، قرآن سفره ای است که به برکت بعثت پیامبر اکرم(ص) در طول شرق و غرب عالم از عصر وحی تا قیامت گسترده شده است هر کس به اندازه آن اشتیاهی که دارد و آن راهی که پیدا بکند به قرآن، استفاده می‌کند» (امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸). امام در واقع دو راهی و جدایی اقلیت روشنفکران و اکثریت توده مردم را طرح می‌کنند به نظر ایشان برای جلب همراهی و افزایش همراهان در صراط، باید مفاهیم پیچیده و ثقیل در افق دید عاملان تغییر و توده های مردم بیان شود تا آن مفاهیم بتواند در صحنه اجتماع شیوع و گسترش یابد و توسط مردم جذب و هضم شود و آنان حاملان آن اندیشه ها شوند. از سویی به نظر امام خمینی [قرآن] به شهادت خدای تعالی کتاب هدایت و تعلیم است و نور طریق و سلوک انسانیت است و تنها کتاب سلوک الی الله است. بحث هدایت در زمینه سیاسی آن به ویژه در گفتار و نوشتار امام خمینی تبلور عینی داشته و در جایی امام از مهجوریت قرآن و «زبان هدایت» آن در جهان اسلام شکوه می‌کند «زبان انس و هدایت و زندگی به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است» (برزگر، ۱۳۹۱).

در بررسی زبان سیاسی امام خمینی (ره) لازم است تکتک نظرات ایشان درباره برخی از مفاهیم اندیشه سیاسی مورد اشاره قرار گیرد تا به طور عینی بتوانیم از منظر ایشان به پدیده های سیاسی نظر بیفکنیم که در این راستا موارد ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱-۱) سیاست: امام در سیاست از صراط» استفاده می‌کند و سیاست را عبارت از راه بردن مردم و جامعه به سوی معیارهای عقل و عدالت و انصاف یا غایت مطلوب خود به صراط مستقیم الهی می‌داند.

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. این مختص به انبیاست (صحیفه امام، ۱۳۵۹، ج ۱۳). در زبان سیاسی امام خمینی (ره) آنچه به نحو عینی و بارزتری مشاهده می‌شود اینست که زبان اسلام در اینجا استعاره صراط از قرآن اخذ و استخراج شده است و آنگاه در زبان سیاسی امام خمینی (ره) انعکاس یافته هر چند به نظر می‌رسد وام گیری زبان سیاسی از زبان قرآن با واسطه عرفان صورت گرفته است.



شکل ۲- منظومه و دستگاہ معنی شناختی صراط در زبان سیاسی امام خمینی (ره) در جهت جذب افراد

۲-۱) غریزدگی: امام در تعریف غریزدگی و توصیف حال غریزدگان از واژه قبله که در واقع مبین جهت گیری و سمت گیری حرکت افراد و گروه‌ها در راه است بهره می‌گیرد و در وصیت نامه خود مفاهیم غریزدگی و شرق زدگی را جامع کسانی می‌داند که دو قدرت بزرگ را به مثابه «قبله گاه عالمه» ارزیابی می‌کنند (صحیفه امام، ج ۲۱).

۳-۱) از خودبیگانگی: از دیگر مفاهیمی است که امام به کمک یکی از متعلقات راه، یعنی گم شدن یا گمشده یا گمشدگی به تعریف و توصیف آن در افق فهم مخاطبان خود می‌پردازد. وی در درمان این پدیده یعنی از خود بیگانگی و رفع دل‌بستگی به تمدن غرب را حفظ اعتماد به نفس خود را نباختن دانسته است. امام می‌گوید: هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش را بفهمد. تا زمانی که ملتها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خودشان نشاندهند استقلال نمی‌توانند پیدا کنند.

۴-۱) نفی ظلم: یکی دیگر از اصول و مفاهیم اساسی شخصیتی و اندیشه سیاسی امام، نفی ظلم و ظلم پذیری است. این اصل یکی از کثیر المنفعت ترین اصول شخصیت سیاسی امام است. امام آن را در سطح گوناگون روابط حاکم و محکوم با شهروندان و نخبگان در روابط با قدرت‌های خارجی در روابط میان شهروندان و اتباع یا یکدیگر و جز آن به کار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۹۱).

۵-۱) رشد سیاسی: در واقع امام از بیداری و آگاهی مردم به مثابه «رشد سیاسی» یاد می‌کند که توطئه اختلاف افکنی دشمنان را خنثی می‌کند. بیدار همان «یقظه» و از خواب غفلت بیدار شدن است. با یقظه انسان از جرگه «غافلان ناهشیار» خارج و به جرگه «سالکان هشیار» وارد می‌شود. در جای دیگر می‌توان از محتوای کلام ایشان چنین استنباط کرد که رشد سیاسی به معنای راه یافتن است یعنی ملت، خود بدون اتکای به رهبری بتواند به راه خود ادامه دهد (زک، صحیفه امام).

۶-۱) تربیت: امام تربیت یا به تعبیر دقیق‌تر «تربیت صحیح» را «درست راه رفتن میدان» به نظر وی تربیت باید همگام با تعلیم، ترکیه و همگام با آموختن عمل به علم و آگاهی باشد و در مناسبتی دیگر امام تربیت اسلامی را حرکت از روی نقشه اسلامی می‌داند و تربیت اسلامی را تربیتی می‌داند که انسان در راه خدا، قرآن را هادی و راهنما و امام راه خویش قرار دهد: «باید تربیت اسلامی بشوند، باید روی نقشه اسلام حرکت کنند، قرآن هادی آنها باشد، امام آنها باشد».

۷-۱) دشمن: دشمن یکی از مفاهیم اصلی و از ستون‌های سیاسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) است که با تعابیر گوناگونی همچون مخالف مسیر، «مانع سر راه»، «راهزن»، «مزاحم در راه خدا»، «بازدارنده از راه خدا» یاد شده است. امام، دشمن را هر شخص، گروه، جریان، کشور و تفکری می‌داند که مسیر با مقاصد انتخابی اش، راه خدا یا غایت الهی نباشد (برزگر، ۱۳۹۲).

۸-۱) قاطعیت و شجاعت: شجاعت و قاطعیت امام از جمله ویژگی‌های شخصیت سیاسی او بود، شجاعت او به حدی بود که آن روز که همه از بردن نام شاه وحشت داشتند، او قیام کرد و گفت: تو مگر بهایی هستی که من بگویم کافر است بیرونت کنند».

۹-۱) عدم خود محوری: داشتن کیش شخصیت، تقریباً در بین بسیاری از رهبران بزرگ دنیا و از جمله رهبران کاریزما چیز معمولی به شمار می‌آید. خودمحوری، خودستایی و راحت طلبی پخش عمده‌ای از ویژه‌های رهبران سیاسی در جهان اخیر است که در این میان امام خمینی (ره) به دلیل پارهای ویژگی‌های شخصیتی، در زمره رهبران خودمحور، خودستا و راحت طلب قرار نمی‌گیرد. امام از جمله رهبران بی‌مانند و ساده زیست در دنیا است که نه تنها در زندگی، فاقد کیش شخصیت است بلکه با فروتنی از ادبیاتی متواضعانه برای اشاره به خود استفاده می‌کند همچنان که در ابتدای وصیت نامه خویش، از عنصر «طلبه حقیر» یاد می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶). یا در مکاتبات با فرزندش، عمر خود را بر باد رفته» به شمار آورده است (روحانی، ۱۳۶۳).

۲- اخلاق سیاسی امام خمینی

هر نوع نظام سیاسی مبتنی بر سه رکن رهبری، مکتب و مردم است و در این راستا مطابق بیانات امام خمینی (ره) می توان نظام اخلاقی و سیاسی را بر اساس مولفه های زیر ترسیم نمود :

الف) توحید کلمه، توحید عقیده، اتفاق نظر در امور مهم و جلوگیری از ظلم ظالمان، از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، سلام الله علیهم است.

ب) ظالم، فاسد کننده و ویران کننده مدینه فاضله است

پ) ریشه کردن ظلم ظالم، اصلاح کننده اجتماع و فرد است

ت) ریشه کن کردن ظلم ظالم، او در سایه وحدت افراد، وحدت همت، به الفت، اخوت، صداقت قلبی، صفات باطنی و ظاهری

ج) اتحاد آحاد امکان پذیر است، جامعه به شکلی که گویا تمامی جمع یک شخص هستند و هر فردی از مردم بخشی از عضو پیکر اجتماع است.

د) مردم که حالا به شکل یک موجود زنده در آمده اند باید یک هدف داشته باشند، هدفی که الهی است و پشتوانه عقلی دارد

ر) هدف مشترک، صلاح دنیوی و اخروی فرد و جامعه است. تمامی تصمیمات و اقدامات باید الهی و عقلی و مبتنی بر صلاح مردم و فرد باشد.

ز) اگر دولت و ملت و امتی چنین مودت و اخوتی داشتند، مقتدر و عزتمند و آقای منطقه و جهان اسلام و جهان می شود (امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۸).

علاوه بر این امام خمینی می فرمایند کسی که می گوید «ما را چه به سیاست» معنایش کنار گذاشتن اسلام است، تقویت اخلاق، تقویت سیاست و تقویت سیاست، تقویت اخلاق را بر عهده دارد، پس اخلاق و سیاست از منظر امام رابطه ای هم افزا دارند، از این رو تربیت و ترکیه نفس و فرهنگ در جامعه اسلامی بسیار مهم و نقش اساسی دارد (الک زایی، ۱۳۹۲).

۳- رفتار و منش فردی و سیاسی - اجتماعی امام خمینی

الف) سبک زندگی خاص امام خمینی (ره) در جذب افراد

امام خمینی (ره) به عنوان راهبر سیاسی و دینی جامعه ایرانی - از منش ویژه ای در رفتار فردی و اجتماعی برخوردار بودند که باعث شده بود که در میان رهبران سیاسی جهان، نمونه ای بی همتا باشند. این رفتارها و منش ها به قرار زیر هستند:

ب) ساده زیستی امام خمینی (ره)

امام توجه ویژه ای به زندگی پیامبر اسلام و ائمه و معصومین داشته اند و روش زندگی آنان را نمونه و الگوی خود در زندگی قرار داده بودند و به مردم و علما و دولتمردان توصیه می کنند که به دور از تجمل گرایی باشند ساده زیستی را سرلوحه زندگی خود قرار دهند (ایران نژاد، ۱۳۹۲).

او در اصل ساده زیستی هم خود عمل می کردند و همه کارگزاران را به شدت از اخلاق کاخ نشینی بر حذر و زیستن همانند مردم عادی و متوسط را توصیه می کردند. (پیروز، ۱۳۹۱).

ت) عدالت محوری

تعبیر حضرت امام خمینی در مورد عدالت به قرار زیر است:

– عدالت به معنای قابل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص است

– عدالت به معنای اینکه: طبقات خاص به طبقات پایین ظلم نکنند و باید حق فقراء حق مستمندان داده شود باید مستضعفین حمایت شوند و تقویت شوند.

– عدالت به معنای قیام انسان ها به قسط که معنای رفع سختگیریها و چپاول گری هاست.

– اقامه عدل یعنی «نجات مستمندان از زیر بار ستمگران و کوتاه کردن دست ستمکاران (صالحی، ۱۳۹۳: ۴). در این راستا امام خمینی اصولاً در سه سطح به بحث عدالت پرداخته: ۱- عدالت را صفت پروردگار و فعل ربوبی معرفی می کند. (بشیری، ۱۳۸۸: ۳۸).

– عدالت را صفت اخلاقی فرد می شمرد و آن را مفهوم حد وسط در امور می داند (فوزی، ۱۳۹۰)

ج) مردم مداری

امام خود را خدمتگزار مردم می دانست و به نظر و رای مردم با دیده احترام می نگریست. جمله معروف، میزان رأی ملت است، بیانگر توجه خاص او به ملت است. امام در حوزه سیاسی با دفاع از نظام جمهوری اسلامی، آن را حکومت جمهوری متکی بر آرای مردمی و اسلامی و متکی بر قانون اسلام می دانست. امام مردم را ولی نعمت مسئولان دانسته و خدمتگزاری به مردم و حرکت در مسیر تعالیم عالی دینی را وظایف دولتمردان برمی شمرد مسئله خدمتگزاری دولت به ملت است» (عزیزی، ۱۳۹۶).

امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر سیاسی و دینی، در تعاملات سیاسی و تصمیم گیری های خویش از ویژگی های برجسته برخوردارن که ذیلاً به پاره ای از آنها پرداخته می شود:

۱- تعامل امام با علما

درباره نحوه تعامل حضرت امام خمینی با علما می توان به کلام مستقیم ایشان نمود که امام فرمودند: «کسی گمان نکند که بشود با پخش یک چیزهای مسموم بتواند که بین علمای اسلام جدایی بیندازد و هیچ امکان ندارد این مطالبه ما همه با هم هستیم. ما برای دفاع از اسلام و دفاع از ایران و دفاع از استقلال ایران و دفاع از کیان اسلام، همه ما متحدیم گمان نشود که خدای نخواستہ خیال کنند که اختلافی در کار هست».

۲- نحوه تعامل امام خمینی با نخبگان

حضرت امام که خود از احیایگران و مصلحان مکتب اسلام و مذهب تشیع بشمار می رود در ادبیات سیاسی و اخلاقی اش مرزی بین روشن فکر اصیل و دلسوز و روشنفکر غرب زده فایل بود، به باور و اعتقاد حضرت امام خمینی، روشنفکران همچون محققان و عالمان در نجات اسلام نقش محوری داشته و دارند (قاسم پور، غفاری و کشاورز، ۱۳۹۶).

۳- نحوه تعامل امام خمینی با توده های مردم

امام درباره حمایت از مردم به ویژه محرومان جامعه می فرماید: شما بیایید نصیحت من را گوش کنید، لطف کنید به مردم، تواضع کنید به مردم. آقای دولت مال مردم است، بودجه مملکت از جیب مردم است، شما نوکر مردم هستید دولت‌ها خدمتگزار مردمند، هی لطفاً نگوئید من خدمتگزار و عملاً تو سر مردم بزنی و حق بیچاره‌ها را پایمال کنی (موسسه نشر و آثار امام).

۴- خود خلاق بودن امام خمینی در جذب افراد

خلافت در همسو کردن حوزه و دانشگاه توسط حضرت امام خمینی را از کلام ایشان جویا می شویم: حضرت امام می فرمایند: «من به آقایان روحانیون هم کررا گفته ام. حالا هم عرض می کنم که اولاً مسئولیت شما زیاد است، به دانشگاهیها عرض می کنم که اینقدر گروه گروه نشوید، شما دشمن دارید، در مقابل دشمن باید مجهز بشوید، مجهز شدن به این است که با هم یک گروه و با وحدت کلمه خودتان جلوی این توطئه ها را بگیرید» (صحیفه امام، ۱۳۷۰). او در اندیشه سیاسی خود بر نزدیکی دو قشر طلبه و دانشجو داشت و به دلیل شخصیت و مواضع سیاسی خود می توانست هم محور وحدات آنها قرار گیرد و هم نخبگان هر دو قشر به (ویژه روحانیت) را علیه شاه برانگیزاند (پتی، ۱۹۸۳).

(د) ابتکار عمل

امام در طول رهبری خویش با شناخت دقیق جریانات و مسایل مختلف داخلی و خارجی ابتکار عمل را به دست گرفته و دشمنان انقلاب اسلامی را همچون توده مردم به انقلاب جذب می کرد، الوین تافلر» در کتاب «جابجایی قدرته اذعان می کند: «کار بزرگ امام این بود که برای اولین بار، چندین نفر از غرب را با تمامی نادیده گرفته و به جای این که بنشینند و با ما به صورت جداگانه وارد بحث شود، در کل همه ما را دور زد». (صالحی، ۱۳۹۳).

(ذ) دوراندیشی یا آینده نگری امام خمینی (ره) در جذب افراد

در مسیر انقلاب اسلامی یکی از واقعیت های مهم تاریخی بینش عمیق و آینده نگر حضرت امام خمینی بود که بیانگر فهم و تحلیل درست ایشان از شرایط تاریخی بود. ایشان در سال ۱۳۴۱ سقوط رژیم شاه را نوید دادنده یعنی در شرایطی که عده زیادی از انقلابیون اعتقاد داشتند که نیروی قهری دستگاه شاه بر همه چیز قایق است. حضرت امام در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لوموند بیان داشتند که ایران در حال انفجار است و اینگونه بود که پس از یک سال، مبارزات حق طلبانه مردم ما اوج گرفت و به ثمر نشست (قاسم پور، غفاری، کشاورز، ۱۳۹۶).

(ر) تدابیر علمی و کارساز در اداره امور جامعه

رفتار عالمانه امام واقعاً درسی بزرگ برای همه آنهاست که قصد حکومت کردن و اداره کشور را دارند امام می توانست در زمان زعامت آیت الله حائری، رفتار رضاخان را بر نتابد و علیه استبدادگر زمان برآشوبد و همچنین در زمان مرجعیت بروجردی، اما چون رهبری جامعه شیعیان با آن بود امام سکوت را ترجیح می داد و تنها نظر خود را با ایشان در میان می گذاشتند و این درسی برای دیگران که چگونه باید تابع نظر رهبری بود که مقبولیت عامه را دارد (ثقفی، ۱۳۹۴).

(و) مدارای سیاسی نیل به جامعه مطلوب

امام خمینی، براساس میانی عرفانی خود وجود را حقیقت غیبی واحد می دانند که در مرحله ذات مبرا از هرگونه اسمی و رسمی است «لا اسم له و لا رسم له» و با جلوه ای برخورد یا به تعبیر عارفان با «تجلی بذاته لذاته فی ذاته» ساحت اسماء را محقق می سازد و این تقدیر ثبوتی یا وجود علمی موجب آشکار شدن وجود عینی اشیاء و همه موجودات می شود. از نگاه ایشان ویژگی حکمت توحیدی که رسالتشان تربیت، و هدایت انسان است، مدارا و تسامح است و شیوه آنها اینست که انسانها را با سخن نرم و نیک، از ظلمت ماده خارج و به جانب نور و کمال مطلق هدایت کنند، در عین آنکه با مادیات سروکار دارند ولی مادیات را در خدمت معنویات قرار می دهند، در اینگونه مکتبها مدارا، خوش رفتار و دعوت به نیکی اصالت دارد مگر آنکه توطئه ای در کار باشد که در آن صورت نیز خشم با منحرفین عین رفق و مدارا است حال آنکه مکتبهای مادی مردم را یا از عالم نور به سوی ظلمت می کشاند و به مادیگری دعوت می کنند یا نسبت به عالم نور و ارجاع مردم به عالم نور بی تفاوت هستند. (طباطبائی، ۱۳۹۵، ۱۲۰). در نگاه ایشان توصیه الهی دستوری کلی و شیوه اجرایی بکار همه هدایت کنندگان و سیاستمداران و مهمترین شیوه برخورد با منحرفان و خطاکاران در جامعه است و رعایت آن، چه در کارهای جمعی و به سامان کردن جامعه و هم زیستی با مردم و چه در سلوک فردی و ارشاد و هدایت مردم در جهت تحقق انقلاب لازم و ضروری است؛ تا آنجا که اگر این اصل رعایت نشود و ارشاد و هدایت با عصبانیت، عصبیت، زود رنجی و کینه توزی، تندخویی و خشونت همراه باشد و نه تنها خطاکار را از خطایش باز نمی دارد بلکه موجب شدت و ازدیاد خطای او نیز می شود و چه بسا خطای کوچک را به خطایی بزرگ مبدل سازد.

از این رو امام خمینی متذکر میشوند مدارایی مدنظر شریعت است که بر پایه خود استوار باشد و إلا در جهت «حفظ نفسی باشد نه در جهت حظاً نفس» اتصاف به چنین مدارایی موجب تعالی نفس می شود و از بهره مندی های نفسانی پیراسته است؛ زیرا در غیر اینصورت همه اعمال او از جمله مدارا و بردباری و تسامح او به غرضی مادی آمیخته می گردد که در این صورت نه تنها موجب کمال و سعادت او نمی شود چه بسا عزت و کرامت انسانی او و سعادت جامعه را مخدوش می کند و انقلاب و جامعه مطلوب بدست نخواهد آمد (امام خمینی، ۱۳۷۷).

در نگاه ایشان برای سیاستمدار و هدایتگری که قصد اصلاح جامعه و هدایت انسانها را دارد مدارا شرط اصلی و اساسی است چرا که قلوب مردم با محبت و رفاقت نرم می شود و قلوب رام موجب رام شدن قوای ظاهری و باطنی انسان شده و به همدلی و دوستی و رفاقت منجر می گردد، خدمتهای صادقانه و جانفشانه های مسلمانان صدر اسلام و فتوحات چشمگیر آنان نمونه ای بر این مدعاست (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۹۸ ح ۱۶ به نقل از امام خمینی ۱۳۷۷).

در این میان مهمترین مولفه های مدارادر اندیشه امام خمینی در موارد زیر قابل طرح هست:

(۱) آزادی اسلامی

آزادی در نگاه امام خمینی (ره) برگرفته از حق الهی است و مبتنی بر این اصل که هیچ انسان دیگر حق ولایت ندارد به جز اذن الهی. در دیدگاه امام (ره) انسان آزاد آفریده شده تابندگی غیر خدا را نپذیرد و تحت سلطه فردی نباشد. در این نگاه، بردگی و بندگی انسان نزد انسان دیگر منع شده و لازم است کرامت و آزادی انسانها پاس داشته شود. امام خمینی (ره) معتقد است آزادی مطلق به دلایل واضح عقلی و نقلی نمی تواند مطلق باشد و لازم است در ساحت آزادی فکری و عقیدتی با استناد به قرآن کریم و احادیث معتبر، امام (ره) به آزادی بیان و قلم به منظور جلال احسن و گفتگوهای سازنده و نیز تعلق خاطر به هر عقیده ای توسط افراد معتقد است و با تاکید بر آن، دعوت و تبلیغ را با مدارا توصیه می کند. این معنا در بیانات امام خمینی مورد اشاره واقع شده است. «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مهمان، فطرت یک انسان آزاد شده است» (امام خمینی، ۱۳۷۰، جلد ۴).

در ساخت آزادی اخلاقی گرایشی رهایی از تعلقات بیرونی، امیال و تهنیات نفسانی و آزادی از اسارت و قیود نفسانی و به تعبیر شهید مطهری آزادی معنوی بصورت غیر مستقیم بر آزادی فقهی - سیاسی تاثیر گذاشته و در این راستا امام خمینی معتقد است، با مدارا و انعطاف در اخلاق و رفتار اثربخشی لازم را شاهد خواهیم بود.

«من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می‌کردم، آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می‌کردم همه خشکشان می‌زد، ولی وقتی از رحمت حرف می‌زدم می‌دیدم که دلها نرم می‌شود و اشکها سرازیر می‌گردد و این تأثیر رحمت است. با ملایمت انسان بهتر می‌تواند مسائل را حل کند تا شدت.» (امام خمینی، ۱۳۶۸، جلد ۲). از نظر امام خمینی (ره) اسلام در پی سلطه بر سرزمین نیست بلکه بدنبال فتح قلوب مردم است، جلب قلوب با خشونت، استبداد و اقتدار طلبی جامع نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۲). با امعان نظر به مولفه های سه گانه پیش گفته در اصل آزادی و ارتباط آن با مدارا در اندیشه و رفتار امام خمینی (ره) باید گفت چرایی و چگونگی مدارا در نظام اسلامی با اصل آزادی نسبت مستقیم دارد که در ساحت‌های سه گانه، حدود آن با در نظر گرفتن مبانی نظام اسلامی همچون عدالت، مصلحت و واقعیت تعیین اعمال میشود.

۲) کرامت انسانی

امام خمینی (ره) معتقد بود که حقوق بشر در اسلام محترم است و هیچ کس حتی به اسم حفظ آزادی و استقلال، حق سلب آن را از مردم ندارد و هیچ سازمانی و حکومتی به اندازه اسلام، حقوق بشر را لحاظ نکرده است و در این گونه حقوق، شخص اول حکومت با آخرین فرد مساوی است. افزون بر این، امام اصل تساوی همگانی در برابر قانون را نیز از اصل برابری و کرامت ذاتی انسانها نتیجه می‌گیرد. بنابراین همه موظف به رعایت قانونند و ارزش افراد به مقام و جایگاه نیست بلکه به تقوای الهی است (خسرورپناه و همکاران).

۳) عدالت

علاوه بر لزوم عدالت در اخلاق و رفتار، امام خمینی (ره) بر لزوم عدالت محوری در نظام سیاسی اسلام تصریح شده و برقراری قسط و عدل و گسترانیدن عدالت در شئون زندگی اجتماعی را هدف نهایی بر پای حکومت اسلامی بر می‌شمارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱).

۴) اخلاق اسلامی

نحوه مواجهه و تعامل با مخالفان سیاسی با ابتنا فکری، امام خمینی (ره) از اصول اخلاقی پیروی می‌نماید. ایشان مدارا را مولفه های اصلی اخلاق دانسته و به کارگیری آن را برای توفیق در زندگی ضروری می‌دانند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «بدان که رفق و مدارا در انجام امور مدخلیت کامل است، چه در باب معاشرت با خلق و انجام امور دنیوی و چه راجع به امور دینی و هدایت و ارشاد خلق و امر به معروف و نهی از منکر باشد و چه راجع به ریاضت نفس و سلوک الی الله باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۲)» بالجمله رفق و مدارا در پیشرفت مقاصد، ازهر حیت مؤثرتر است و چنانچه در مقاصد دنیای چنین است در مقاصد دینی از قبیل ارشاد و هدایت مردم رفق و مدارا از مهمات است که بدون آن، این مقصد شریف عملی نخواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۴). بر این اساس درهنگامه برخوردهای لازم با مخالفان که بر مبنای اصل تقدم عدالت بر مدارا ضروری است، سلیق فردی و حب و بغض های شخصی مدخلیت نداشته و باید با هدف هدایت و ارشاد، مجازات مطرح در شرع و قانون اعمال شود. در این چارچوب علاوه بر حفظ حقوق شهروندی مخالفان، شایسته است با اخلاق اسلامی با آنها رفتار شود. در نگاه امام خمینی در دو سطح حاکمیتی و فردی مدارا با سنجه اخلاق اسلامی اعمال می‌شود. در سطح فردی بخشش و مدارای حداکثری در قبال حق شخص والی، حاکم و امام توصیه شده و آنچنان که در رفتار سیاسی امام قابل مشاهده است، نمونه هایی از رافت و گذشت در امام خمینی داریم. امام در سطح

حاکمیتی که رعایت اخلاق اسلامی علاوه بر حقوق شهروندی و پرهیز از منافع شخصی لازم الاجراست در اجرای حدود قانون و شرع نیز هیچ گونه مداخله‌ای را بر نمی‌تابد.

تدقیق در این مولفه، سبب کاربست اخلاق اسلامی در اعمال مدارا با مخالفان سیاسی و تفکیک آن با مداخله و خشونت خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۷۰). در اندیشه امام خمینی (ره) علاوه بر عهد شهروندان، مخالفان سیاسی هم در چارچوب نظام اسلامی دارای حقوق شهروندی بوده و رعایت آن را ضابطان و جریان قانون، الزامی است. با این حال مدارا درسیره و رفتار سیاسی امام خمینی در جهت جذب افراد در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱-۵) مدارا با علما و متحجران مخالف

تبیین نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی (ره) در سالهای مبارزه با رژیم پهلوی براساس قرآن و سنت، موافقان و مخالفان را به همراه داشت. مخالفان مبارزه با رژیم ستم شاهی را بی فایده دانسته و معتقد بودند که افق پیروزی و دست یابی به جامعه مطلوب برای آن متصور نیست. مخالفان انقلابی همچنین با در نظر گرفتن قیام مهدی موعد (عج) هرگونه تشکیل حکومت در دوران غیبت را جایز ندانسته و تمامی حکومت‌ها در این دوران را طاغوت می‌پنداشتند. مشی امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی همواره روشنگری هر پاسخ به شبهات متحجران بوده و با مدارای حداکثری برخورد سرکوبگرایانه را در پیش نگرفته‌اند. شیخ محمود حلبی سرکرده انجمن حجتیه هیچگاه تحت تعقیب قضایی قرار نگرفت و با وجود اقدامات و اظهارات مخالف با ماهیت اهداف و کارکرد نظام جمهوری اسلامی در ۲۶ دی ماه ۱۳۶۷ و در ۹۷ سالگی وفات یافت. با این حال مشی امام خمینی (ره) در مواجهه با علمای مخالف، همواره حفظ و حراست از جایگاه و شأن روحانیت و مرجعیت بوده و از سوی دیگر برخورد لازم و قانونی با تخلفات و جرایم روحانیت را ضامن بقای آبرو و حیثیت آنان در میان عام مردم و بارگاه الهی می‌دانستند.

۲-۵) مدارا با گروههای مخالف سازمان مجاهدین خلق و حزب توده از مهمترین جریانها و گروهکهایی بودند که به مخالفت با انقلاب اسلامی و رهبر آن پرداختند. عدم تمکین به قواعد رقابت سیاسی و تلاش برای مقابله و انحراف مطالبات عمومی، گروهک مجاهدین خلق را که در افکار عمومی به منافقین از آن یاد می‌شد، وارد فاز مسلحانه کرد و اوج آن در سال ۱۳۶۰ بود.

مدارای سیاسی با زندانیان و دستور امام مبنی بر عفو و گذشت از اعضای این سازمان که با توجه و بازگشت خواهان بازگشت به زندان مادی بودند، نشانگر روحیه هدایت‌گری رهبر انقلاب اسلامی است. مشی امام (ره) در تفکیک میان مدارای سیاسی و مداخله با سنجه چهارگانه عدالت، قانون، مصلحت و خلاق موجب شد تا بسیاری از اعضای این گروهک از ادامه همراهی و مبارزه مسلحانه انصراف دهند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳/۹/۲۴).

۳-۵) مدارا با مخالفان دینی و مذهبی

مدارای سیاسی امام خمینی با مذاهب ادیان دیگر، منحصر در اعلام مواضع و سخنرانیها نبوده بلکه در مراحل قانون اساسی، حقوق اساسی ادیان و مذاهب دیگر مورد تصریح تدوین کنندگان و در مرحله بعد مورد تصویب رأی دهندگان گرفته است (اصل دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی). در همین زمینه باید گفت جمهوری اسلامی و امام خمینی، ادیان و مذاهب آسمانی را به رسمیت شناخته و فرقه‌های منحرف را که فاقد تعالیم الهی و براساس مقاصد سیاسی از سوی دولتهای خارجی پدید آمده و حمایت می‌شوند به رسمت شناخته و بر همین اساس حقوقی را نیز برای آنها نمی‌توان متصور بود. به عنوان نمونه می‌توان به تلاش فرقه بهائیت به منظور شبکه‌سازی و نفوذ در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اشاره کرد که از دوران پهلوی دوم سرعت یافته بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با چالش مواجه شد. اتهام زنی به عملکرد جمهوری اسلامی ایران در عدم مدارا با اینگونه فرقه‌های سیاسی که با حمایت دولتهای رقیب برای تامین منافع آنها ظهور یافته و فعالیت می‌پردازند فارغ از بیان اهداف و کارکردهای سیاسی فرقه‌های

منحرف صورت می گیرد، البته صرف عضویت و نیز اعتقاد به فرقه های منحرف در جمهوری اسلامی ایران سبب ساز اعمال مجازات برای شهروندان نمیشود، ولی بدیهی است این افراد بدلیل به رسمیت نشناختن قانون اساسی نمی توانند از حقوق سیاسی نظیر حق نمایندگی و نقش آفرینی در ساختار نظام سیاسی کشور برخوردار شوند (خرمشاد، ۱۳۹۸).

باید گفت امام خمینی (ره) با امعان نظر به اینکه میان مخالفان مذهبی و دینی از دین اسلام و دیگر ادیان آسمانی با فرقه های سیاسی که با تابلوی دینی و مذهب پدید می آیند، تفکیک قایل شده و بر این سبیل با آنها رفتار می کردند.

جدول (۱) مدارا در سیره و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در جهت جذب افراد

الف	حوزه اعمال مدارا	مخاطبان	محدوده مدارا	محدوده عدم مدارا
۱	مخالفان عقیدتی و فکری	(علمای مخالف)	آزادی بیان و عقیده	خدشه بر امنیت و استقلال
۲	حوزه اخلاقی، مخالفان دینی و مذهبی	(اقلیت های دینی و مذهبی)	آزادی علایق و رفتارهای شخصی	اباحه گری و ولنگاری
۳	حوزه فقهی سیاسی مخالفان سیاسی	(گروهک های مخالف)	حقوق شهروندی	توطئه و عمل منافقانه

جدول (۲) مدارا در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره)

حوزه های مدارا	مدارا در اندیشه امام خمینی (ره)	محدوده مدارا در رفتار سیاسی امام خمینی (ره)
عقیدتی - ایمانی	کرامت	حفظ نظام
اخلاقی - گرایشی	رحمت	حفظ امنیت
فقهی - سیاسی	عدالت	اجرای عدالت

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر شخصیت شناسی از منظر روان شناسی سیاسی و مطالعه موردی ویژگی های شخصیتی و رفتاری حضرت امام خمینی (ره) بود. در راستای این هدف و با مرور اسناد مکتوب مشخص گردید که امام خمینی از ویژگی های شخصیتی و رفتاری، انطباق کامل با دیدگاه های نظری شخصیت شناسان به ویژه الگوی انسان کامل کارل راجرز و فردگرایی آدلر داشته و بررسی تطبیقی ویژگی شخصیت وی ابیانگر جامعیت، کمال، عظمت بر روح و آزامش باطنی، حرمت خود و آزادگی اوست. بنابراین در یک جمع بندی می توان گفت که ویژگی های ایشان منحصر به فرد بوده که وی را از سایر رهبران سیاسی در اعصار گذشته و حال جدا می کنند به این معنی که امام خمینی (ره) به عنوان انسان کامل و در مقام مرجعی فرهیخته در دامن تعالیم اسلامی پرورش یافته و فضائل و کرامت ایشان به حدی رسیده بود که از وی یک انسان الهی ساخته بود. از سویی منش و رفتار اجتماعی و فردی و سیاسی ایشان به گونه ای بود که در قاموس علم سیاست مفاهیم جدیدی را در قالب تکلیف گرایی، عدالت ورزی، تهذیب نفس پرهیز از ریاکاری،

قاطعیت، مردم داری و ساده زیستی عرضه نمود. همچنین بررسی‌ها نشان داد که صفاتی همچون دوران‌دیشی، شجاعت، و از همه مهمتر مدارای سیاسی، توجه به محرومان و ارتباط با علمای دین و روشنفکران، خلاقیت و نوآوری در تشکیل حکومت و رهبری الهی و مردمی موجب گردید که وی در میان رهبران سیاسی جهان الگوی بی نظیر باشند که توانست از ایشان یک رهبر نمونه با تفکر جهانی و ماندگار به نمایش بگذارد و سبک زندگی ایشان نشان داد که می‌توان با ساده زیستی و برخورداری از صداقت کلام و عمل، قتل افتخارات انسانی و دینی را فتح نمود و الگوی دیگران شد.

منابع

- آپورت، گوردون و لویستمن (۱۳۷۴) **روان شناسی شایعه**: تهران، انتشارات سروش
- آپورت، گوررون دلیو و ادوارداتی. جونز (۱۳۷۱). **روان شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون**.
- آیت الله جوادی آملی (۱۳۸۲) **کنگره اندیشه های اخلاقی عرف**
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱)، **تقریرات امام خمینی (ره) فلسفه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- انصاری، حمید (۱۳۷۶). **حدیث بیداری، نگاهی به زندگی نامه آرمانی علمی و سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۲). **عدالت از دیدگاه امام خمینی**، انتشارات معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۲). **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) سیاست به مثابه صراط**، انتشارات سمت
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). **روان شناسی سیاسی**، تهران، انتشارات سمت
- پیروز، علی آقا (۱۳۹۱). **رویکرد مدیریتی به رهبری امام خمینی**، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- تقفی، علی (۱۳۹۴). **بانوی انقلاب**، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خرازی جواد علاقیندران، (۱۳۹۰). **روانشناسی اجتماعی**، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول
- خرمشاد، محمدباقر؛ و برخورداری، یاسر. (۱۳۹۸)، **کاربست مولفه مدارا سیاسی در راهبرد رهبری امام خمینی (ره)**. **فصلنامه راهبرد**، ۲۸، ۹۰.
- خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۵). **منظومه فکری امام خمینی (ره)**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- امام خمینی، روح... (۱۳۷۰). **آداب الصلوة (آداب نماز)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح... (۱۳۷۱). **صحیفه امام**، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح... (۱۳۷۸). **صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیامها، مصاحبه ها)** ۲۱ جلدی، تهران، مؤسسه نشر امام خمینی.
- خمینی، روح... (۱۳۷۷). **شرح حدیث «جنود عقل و جهل»**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی.
- خمینی، روح... (۱۳۸۹). **آئین انقلاب اسلامی**، گزیده ای از اندیشه و آرای عمومی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح... (۱۳۷۷). **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.

- رجایی، غ. (۱۳۸۳). **برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)**. تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ج ۶.
- روحانی، حمید. (۱۳۶۳). **نهضت امام خمینی**، ج ۲، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، سازمان انتشارات انقلاب
- سلحشوری، یداللهی فر، خنکدار-احمد، محمد جواد، معصومه. (۱۳۹۱). **مبانی و تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی**، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، زمستان، شماره ۵.
- ستوده، ر. (۱۳۸۲). **پا به پای آفتاب**. تهران، موسسه نشر پنجره.
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۹۳). **نظریه‌های شخصیت و امام خمینی**، چاپ دوم، تهران، نشر عروج
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۹۵). **شکوفایی شخصیت و امام خمینی (ره)**، چاپ اول، تهران، نشر عروج.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۹۷). **روان‌شناسی شخصیت امام خمینی بر پایه ویژگی انسان‌ساز سالم کارل راجرز**، فصلنامه روان‌شناسی فرهنگی، ۱.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۷). **نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
- شولتز، د. (۱۳۷۵). **روان‌شناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم**، ترجمه گ، خوشدل. تهران، البرز.
- صادق حقیقت، محمدرضا و محمدرضا سالاری فر (۱۳۹۴) - **روان‌شناسی شخصیت و مسئله ساختار کارگزار مطالعه موردی: امام خمینی و کارتر**، فصلنامه علمی و پژوهشی رهیافت تو، سال نهم، شماره ۳۱- پاییز.
- صالحی، حمید (۱۳۹۲). **مدیریت جهادی از منظر امام خمینی (ره)**، خبرگزاری تابناک.
- طباطبایی، فاطمه (۱۳۹۶)، نقش مدارا در تعالی انسان و جامعه (سلوک فردی و اجتماعی) با رویکردی به اندیشه عرفانی و رفتار سیاسی امام خمینی، **پژوهشنامه متین**، ۱۸، ۷۳.
- عزیزی، مهدی. (۱۳۶). **مدیریت اسلامی از منظر امام خمینی و امام خامنه‌ای**، فصلنامه علمی و تخصصی **خانه ملت**، ۲۰.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۸). **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)** قم: انتشارات معارف.
- فیرس، ای: خیرین و ترال، تیموتی، جی- (۱۳۸۲) **روان‌شناسی بالینی**، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، انتشارات رشد.
- قادری، سید علی. (۱۳۷۹). **خمینی روح الله: زندگینامه امام خمینی بر اساس امضاء و خاطرات و خیال**، ج ۱، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)
- قاسم پور، رمضانعلی؛ غفاری، زاهد؛ و عباس کشاورز (۱۳۹۰). **مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در دیدحذب افراد بر اساس گاه آدرل**، **فصلنامه ویژگی‌های انقلاب اسلامی**، ۲، ۲۵
- کاتم، مارتا دیتر، بت؛ مسترز، الفا و توماس پرستون (۱۳۸۶). **مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی**
- کاطمی، اخوان (۱۳۶۶). **تبیین نظر رهبری امام خمینی از زوایه نقد نظری رهبری کاریزماتیک**، فصلنامه **مطالعات انقلاب اسلامی**، ۵۰
- کدی، مرضیه. (۱۳۷۴). **مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه‌های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)** مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره)، فروج
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵)، **الاصول من الکافی**، با تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، در الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

الگار، حامد (۱۳۶۷) *گفتمان سیاسی غرب و اسلامی*، کتاب نقده ۴، ۱۶.

لک زدایی، نجف و رضا لک زدایی. (۱۳۹۲). *نظام اخلاقی سیاسی امام خمینی*، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲، ۳.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *انسان کامل*، تهران، انتشارات صدرا

منشی طوسی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

موسسه مروج. (۱۳۸۳). *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی*، ج ۳، قم.

میرشکاری، اصغر. (۱۳۸۰). *راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی*، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۵-۶.

وایتیرگه، اشلی. (۱۳۹۴). *روانشناسی سیاست‌داران*، ترجمه شهرزاد مفتوح، انتشارات قومس

وجدانی، مصطفی. (۱۳۷۶). *سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره)*، ج ۲، تهران، انتشارات پیام آزادی.

Granette, Jogne (1984), *Commonsense and the theory of interantial political*, London, Macmillan LTP.

Hermann, G. Margaret (ed) (1986), *Political Psychology. Contemporary problems and issues*, Sunfrancisco: Jossey-Bass.

Sears, D. (ed)., Huddy, L., & Jervis, R. (2003), *Oxford Handbook of political psychology*, New York: Oxford University Press.



Imam Khomeini's Political Personality Analysis from Carl Rogers and Adler's Perspective: A Psychological Analysis

Abbasi, M¹., Sazmand, B*²., Tohid Fam, M³., & Abtahi, S.M⁴

1. PhD Student, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
2. Ph.D, Associate Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Ph.D, Associate Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Markazi Branch, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran
4. Ph.D, Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran

Abstract

The analysis of political figures and perceiving the context in which the politicians have come to power is one of the main axes of analysis in political psychology. The two-way relationship between politics and psychology means the understanding of politics from the perspective of psychology and the understanding of psychology from the perspective of politics. In other words, political psychology and its approaches belong to broad fields such as the role of leadership and personality cult in political behavior. Explaining the nature, personality and political behavior of Imam Khomeini's leadership and the reason for his profound influence on social, cultural political developments is the purpose of this article so that it can help us to find a methodical understanding and analyze it more than before. Based on the political psychology, the main question is that what interactions were between the Imam Khomeini's personality and his style of leadership and the observance of political and human ethics? And what were the components of Imam Khomeini's political behavior in attracting people during the Islamic Revolution? The findings of this study, using conceptualization and analytical-documentary and library method, show the interaction of Imam Khomeini's personality and leadership style based on his unique political role in attracting people in the process of the Islamic Revolution and basically Imam's interaction with the elites and the scholars and his special life style since he always had simple living as a priority in his life and it has been very influential in his permanence.

Keywords: Imam Khomeini; Political Language; Political personology; Political Behavior; Political Tolerance